

پشت بوم

دوقطبی جامعه در عرصه هنر



حسین هاشم‌پور

● «فرهنگ و هنر در مکنگه» شاید رساترین توصیف از حال و روز این روزها باشد. راستش بدبین‌ترین چهره‌های هنری هم تصور نمی‌کردند دولت یازدهم در عرصه فرهنگ و هنر با چنین چالش‌های دشواری روبه‌رو شود.

یک: دوازدهم مرداد تیر این ستون: «هنرمندان رکورد دیوار سفارت‌ها را شکستند». کنایه از هجوم کم‌سابقه به حرفه و حریم هنرمندان داشت که حتی از بالا رفتن از دیوار سفارت‌ها هم پیشی گرفته بود؛ سلسله مناقشات با کنسرت‌ها، حملات مشمنزکننده بالنتارات یا استمرار نقدهایی با ادبیات سخیف در برنامه تلویزیونی هفت... اکنون کتک خور هنرمندان، ملس‌تر از همیشه شده است.

دو: جامعه هنری مطالباتی تلنبارشده دارد که برخی از آنها، مانند امکانات سخت‌افزاری یا فرصت‌های کاری، بیش از یک عمر زمان برده است و بدیهی است، می‌اندیشد همین امروز هم برای تحقق‌شان دیر است؛ اما در مقابل، طیفی در پی تحدید فضای هنری است. حتی یک رصد سطحی هم روشن می‌کند، این روزها هنرمندان بدون رودریاستی‌تر از همیشه از دولت و حتی مجلس، احقاق حقوق خود را مطالبه می‌کنند، بیانیه می‌دهند، پرسشگری می‌کنند و نسل جوان هنرمند، امکانات خود را آنلاین با اقصی نقاط دنیا مقایسه می‌کند؛ عریض‌شدن خطوط قرمز را درک نمی‌کند، نمی‌فهمد چرا ساز در تلویزیون ممنوع‌التصویر است، چرا در عصر اینترنت این همه شورا‌های تصمیم‌ساز و قوانین دست‌وپاگیر پیش روی اوست و... .

اما از دیگر سو، طیفی از جامعه در اندیشه به محاق‌بردن این حقوق است؛ گونه محدودی از هنر را برمی‌تابد، در هیچ رویداد هنری شرکت نمی‌کند؛ اما برای هنر نسخه می‌نویسد... کشمکش اخیر بر سر یک هم‌خوانی در قم، تازه‌ترین نمونه از این پارادوکس است که تصویری تمام‌عیار را از دوقطبی‌شدن فضای هنر ترسیم می‌کند.

سه: عصر جمعه، بانو فرهیخته، لیلی گلستان، وقتی کتابش، «آقا صمد و ماهی سیاه کوچولو»، در هجدهمین دوره لاک‌پشت پرنده عنوان پنج لاک‌پشت را از آن خود کرد، به هنرآلاین گفت: «به‌خاطر این همه استعداد که هدر می‌رود متأسفم».

آری، تتبلی، بی‌انگیزگی و سرخوردگی کمترین آسیب‌های دوقطبی‌شدن فضای هنر است؛

فضایی که شایسته ایرانی نیست که همه دنیا

به احترام پیشینه فرهنگ و هنرش کلاه از سر بر

می‌دارد.

ادامه از صفحه ۹

دوباره نگاه کن...

اما قدرت این اثر در پرهیز از هرگونه شعارزدگی است که با توجه به شکل اجرایی و مفاهیم پس آن، کاری دشوار به نظر می‌رسد، دشت‌آرای با واردکردن مخاطب در قصه به شکل ناخودآگاه، او را متوجه نگاه قضاوتگرش نسبت به جهان امروز و آدم‌های دیگر می‌کند، مدام مخاطب را با چالشی دیگر و تصویری که ساخته و بعد خراب می‌شود روبه‌رو می‌کند و اطلاعاتی که به‌مرور به مخاطب می‌دهد و او را متوجه این مسئله مهم می‌کند که تا چه اندازه لازم است درباره تصویری که از شناخته‌هایش دارد، تجدیدنظر کند.

ما با دیدن دیگران چقدر آنها را درک می‌کنیم؟ چقدر متوجه حقایق پشت هر واقعه می‌شویم؟ چقدر با دلایل ناخودآگاه پنهان در ضمیر انسان‌ها آشنا هستیم؟ چقدر می‌دانیم

این دست‌ها، چشم‌ها و روح‌های غریبه چه

برهای عاطفی، فرهنگی، اجتماعی و... را با

خود حمل می‌کنند؟ چقدر می‌دانیم حقیقت

چیست؟ حقیقتی که پشت لایه‌های ذهن

قضاوت‌زده ما پنهان است، حقیقت چیست؟

آیا هیچ‌گاه خواهیم دانست؟ شاید هیچ‌گاه از

زیروزیر روح دیگران سردرنیاوریم، اما درباره

خودمان چه؟ در طول این نمایش چقدر نظران

نسبت به بازیگران تغییر می‌کند؟ آیا حس

اولیه ما نسبت به فلان بازیگر تا پایان نمایش

پایرجاست؟ چقدر می‌توانیم به قضاوت‌هایمان

تکیه کنیم؟ به نظر می‌رسد نه‌فقط لازم است

درباره تصویرمان از دیگران تجدیدنظر کنیم که

به‌یقین ضروری است درباره تصویرمان از خود

حقیقی پنهان‌شده در درونمان، همان خودی

که تحت‌تاثیر هزار و یک عامل بیرونی از خود

بیخود شده هم، تجدیدنظر کنیم...

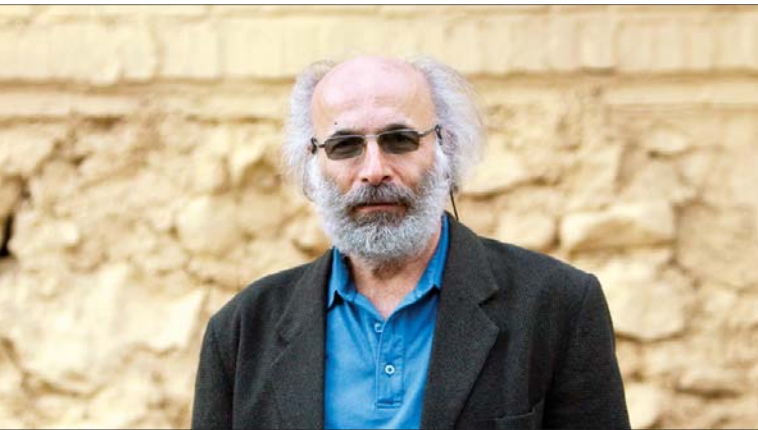
این خود سرکشته که نگاه شخصی‌اش را از

دست داده و باید دوباره از نو به خودش و بعد

به همه چیز و همه‌کس نگاه کند...

«سیمای سکوت» در تهران دیده می‌شود

شرق: در هفتادویکمین دوره جشنواره فیلم ونیز درحالی‌که برای ما حضور «قصه‌ها»ی رخشان بنی‌اعتماد و مستند «آرتور پن» امیر نادری جذاب بود، به باور بسیاری از منتقدان سینمایی، فیلم مستند «سیمای سکوت»، ساخته کارگردان آمریکایی ساکن دانمارک، از معدود فیلم‌های رضایت‌بخش جشنواره بوده است. حال روز چهارشنبه ۱۴ مهر این آخرین ساخته تحسین‌شده جاشوا اوپنهاایمر در برنامه سینما مستند آپ‌آرت‌مان به نمایش گذاشته می‌شود. «سیمای سکوت» به کشتارهای جمعی در اندونزی می‌پردازد. این فیلم نوعی تابوزدایی آشکار از اعدام‌های جمعی در اندونزی است که طبق بعضی برآوردها یک میلیون نفر در جریان آنها کشته شدند. بنا بر روایت مستند «سیمای سکوت»، جلادان آن زمان قدرتمندان امروز هستند و در‌حال‌حاضر بستگان قربانیان محکوم، به زندگی در کنار قاتلان اعضای خانواده خود ادامه می‌دهند.



شرق: ممنوعیت کنسرت در مشهد و حالا برگزاری کنسرت در قم با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شده. همچنان علمای قم مخالفت خود را با این کنسرت‌ها با صراحت اعلام می‌کنند. در تازه‌ترین واکنش‌ها، آیت‌الله مکارم‌شیرازی نیز در این باره مخالفت خود را صریحا ابراز کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم‌شیرازی، به دنبال اجرای کنسرت در قم، این مرجع تقلید، مدیرکل ارشاد قم را احضار و ضمن اعتراض به این جریان، از او توضیح خواست که پاسخ‌ها قانع‌کننده نبود. هرچند او ضمن عذرخواهی تصریح کرده است هرگز این‌گونه برنامه‌ها تکرار نخواهد شد. مکارم شیرازی در این‌باره گفت: گویا وزارت ارشاد اجرای کنسرت را در همه شهرها و حتی در قم که قداست خاص آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست، با آن حواشی زنده از واجبت‌ترین واجبات خود می‌شمرد که این همه روی آن بافشاری و سرمایه‌گذاری می‌کنند و توجه

واکنش آیت‌الله مکارم‌شیرازی به کنسرت قم

ندارند این کار موجب تضعیف دولت و فاصله‌گرفتن از مراجع دینی شده و آثاری نامطلوب در برنامه‌های آینده خواهد داشت. این مرجع تقلید اظهار کرد: تصور من این است وزارت ارشاد، گرفتار یک سلسله محاسبات نادرست از وضع جامعه شده و گمان می‌کند این کارها به نفع دولت است؛ درحالی‌که آثار سوء آن روزبه‌روز آشکارتر می‌شود. به اعتقاد آیت‌الله مکارم شیرازی، اگر بنا است برنامه‌هایی برای شادی جوانان اجرا شود، می‌توان با هماهنگی خبرگان از حوزه علمیه، برنامه‌هایی خالی از هرگونه مسائل خلاف شرع و هماهنگ با فرهنگ اسلامی تنظیم کرد، نه اینکه چشم‌وکوش بسته دنبال فرهنگ‌های غربی راه افتاد. او همچنین گفت: متأسفانه وزارت ارشاد نه تنها در اینجا به بیراهه می‌رود، در موارد مختلف دیگری نیز نشانه‌های آن دیده می‌شود. امیدواریم بیدار شوند و به راه برگردند.



کیارستمی، عیاری را به‌عنوان کارگردان فیلم‌های خود انتخاب کرده بود

جایگزین کیارستمی

فرانک آرتا

اینکه از فرد ستایش شود و مرکز توجه باشد! تمام تلاشم هم این بود تا این نکته رعایت شود. حالا نتیجه چه شده، شما‌ها باید نظر بدهید.

ﻻ چندی پیش شما در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا، به موضوع مهمی اشاره کردید که بیانگر ارتباط عمیق شما و عباس کیارستمی بود. در آن گفت‌وگو اظهار کردید آقای کیارستمی شما را به‌عنوان جانشین خود در پروژه‌های فیلم سینمایی معرفی کرده بود. اصل این ماجرا چیست؟

شاید دلیل این به نوع فیلم‌هایی که تاکنون ساخته‌ام، برمی‌گردد. من در این سال‌ها دراین‌باره صحبت نکرده‌ام. این سؤالی بود که خبرنگار ایسنا از من پرسید و من هم ضمن تأیید، گفتم چند سال پیش در عقد قرارداد فیلم «رونوشت برابر اصل» تهیه‌کننده خارجی فیلم از آقای کیارستمی درخواست کرد تا در صورت نبود ایشان، کارگردان دومی را معرفی کند. آقای کیارستمی هم نام مرا در قرارداد نوشتند. بعد از آن وقتی موضوع را با من مطرح کردند، ضمن تشکر، استقبال کردم. ظاهرا این مسئله درباره فیلم اخیرشان که قرار بود در چین ساخته شود هم تکرار شده است. ﻻ به اینکه قبل از آن، موضوع را با شما در میان گذاشته بودند، اعتراض نکردید؟

به‌هیچ‌وجه! برای اینکه من سال‌های طولانی است گوشه‌ای نشسته‌ام و به‌اصطلاح ماست خودم را می‌خورم؛ اما شخصیت آقای کیارستمی به‌گونه‌ای نبود که من بخوام جواب منفی بدهم. البته ایشان گفت: می‌خواهم موضوع را رسانه‌ای کنم؛ اما درخواست کردم کمی صبر کنند. تا اینکه مطلع شدم زمانی که ایشان در بیمارستان بستری بودند به برخی از اطرافیان خود این موضوع را گفته بودند.

ﻻ معمولاً دوستان نزدیک آقای کیارستمی محدود و قریب‌به‌اتفاق هم در مطبوعات شناخته‌شده بودند، مانند آیدین آغداشلو، احمدرضا احمدی، سبیا‌الله صمدیان و ... اما در باره شما این نکته چندان علنی نشده بود. حالا که چنین مسئولیت مهمی به عهده شما گذاشته شده، پرسش این است که چرا در این سال‌ها سکوت کرده‌اید؟

.....

حریم کنسرت‌ها ۶ کیلومتر است ؟

«لاریجانی» در کنسرت «عقیلی»

دراین‌بین مدیرکل ارشاد استان قم هم با توجه به حواشی پیش‌آمده در تالار شهید آوینی عذرخواهی کرده است. به گفته حجت‌الاسلام داننی، آنچه در اجرای برنامه‌های زنده هنری مانند تئاتر، جُنگ‌های ترکیبی و اجرای موسیقی، در مواردی حاشیه، غالب بر متن می‌شود، رفتارهای غیراخلاقی



بهار

تئاتر نوشت

ما را باور کنید؛ ما دچار تعارضیم



هوشنگ کلمکانی

● «تئاتر مستند» اصطلاحی‌ست که در سال‌های اخیر، مهربان اهل تئاتر رایج شده اما این اصطلاح با ذات تئاتر که در لحظه بر صحنه جریان می‌یابد تناقض یا دست‌کم مغایرت دارد (برخلاف سینما که می‌توان واقع‌های را در لحظه ثبت و بعد با پردازشی هنرمندانه به‌عنوان یک «اثر» نمایش داد). منظور از کاربران این اصطلاح، البته بازسازی نمایشی یک واقعه اغلب آشنا (و طبعاً آمیخته با تفسیر سازنده آن) است که شاید «بازسازی نمایشی واقعه‌ای مستند» توصیف دقیق‌تری از این سبک نمایشی باشد. از نمونه‌های نزدیک و آشنای یکی‌دو سال اخیر هم می‌شود به «عاشقانه، عامدانه، قاتلانه» (سازر بیان) و «هم‌هوایی» (افسانه ماهیان) اشاره کرد. اما «ماکیومتری» یا واقعی‌نمایی (در برابر داکيومتري) اصطلاح و توصیف دقیق‌تری برای این سبک نمایشی است. در نوع اول، گفته یا ناگفته، معمولاً تماشاگر با نمایشی روبه‌روست که پیشینه‌ای ذهنی درباره‌اش دارد و خواه‌ناخواه، مدام نمایش را با اصل واقعه، و تفسیر خود را با تفسیر خالق نمایش مقایسه می‌کند. اما نوع دوم، معمولاً بدون سابقه ذهنی اتفاق می‌افتد و معمولاً حاوی غافلگیری‌هایی در طول نمایش و اغلب در پایان آن است. در سینما، «پروژه بلروپچ» (دانیل مایریک و ادواردو سانسز، ۱۹۹۹) و «من هنوز این‌جا هستم» (کیسی افلک، ۲۰۱۰) از نمونه‌های معروف ماکیومتری هستند. نمایش «درباره من تجدیدنظر کن»، کار آرون‌د دشت‌آرای که آخرین روزهای اجرایش در تالار چارسوی تئاتر شهر است، یک «نمایش ماکیومتری» دیدنی و کم‌سابقه در تئاتر ما است که شباهت‌هایی با «ریلیتی شو»های تلویزیونی غرب دارد و البته در آن نمونه‌ها هم واقعا نمی‌توان تشخیص داد که چه‌قدر از آن چه می‌بینند واقعیت است، چه‌قدر بداهه و چه‌قدر فک‌رده و ازقبیل چیده‌شده است. آن چه این نمایش را از اندک نمونه‌های مشابه تئاتر با متمایز می‌کند، حضور و دخالت تماشاگران در آن است که هرچند خود دشت‌آرای به‌عنوان یکی از بازیگران حاضر در صحنه تلاش می‌کند آن را به مسیر مورد نظر هدایت کند، اما طبعاً با دخالت تماشاگران اجرای هر شب با شب‌های دیگر تفاوت‌هایی دارد.

نمایش در قالب یک بررسی بینافرهنگی (با هدایت پشت‌پرده نغمه ثمنی!) طراحی شده که سه زوج (مردان اروپایی و زنان ایران) گویی در یک جلسه ارزیابی توانایی‌های نمایشی‌شان شرکت دارند تا به پرسش‌های کارگردان و همسرش (و تماشاگران) درباره زندگی شخصی‌شان، نحوه آشنایی و کیفیت فعلی زندگی مشترک‌شان (از زاویه تفاوت‌ها و تعارض‌های فرهنگی) پاسخ بدهند و در مواردی لحظه‌هایی از زندگی گذشته‌شان را بازی کنند تا تماشاگران در نهایت، زوجی را که به نظر‌شان برای یک پروژه اصلی نمایشی درباره همین موضوع بررسی‌های بینافرهنگی مناسب تشخیص می‌دهند انتخاب کنند. ظاهراً لحظه‌هایی از بخش‌های غیرنمایشی این «تست بازیگری»، از مدار خویش‌ترداری حاضران صحنه خارج می‌شود و آن‌ها انکار برخلاف خواسته‌شان و روال نمایش، مقداری از مکنونات قلبی و جنبه‌هایی خصوصی از زندگی‌شان را هم در برابر تماشاگران لو می‌دهند. آن‌ها حتی برخی از جنبه‌های بداهه‌نمایی و نابلدی را هم خوب از کار درمی‌آورند؛ مثل زوج ایرانی! هلندی که در جایی از نمایش، به درخواست کارگردان، اولین دیدارشان را به صورت نمایشی بازسازی می‌کنند و مثل یک نمایش تمرین‌نشده و هماهنگ‌نشده، این لحظه‌ها را با ناشیگری و پراشتباه بازی می‌کنند.

برای آن‌که اگر قصد تماشا‌ی نمایش را دارید، جذابیت آن را زایل نکنم، از توضیح و حتی تفسیر بیش‌تر صرف‌نظر می‌کنم، زیرا حتی تفسیر آن هم می‌تواند برخی از غافلگیری‌های نمایش را از بین ببرد. اتفاقا یکی از مشکلات ماکیومتری این است که فقط یک بار می‌توان با آن غافلگیر شد، اما نمایش «درباره من...» از این زاویه دیدنی می‌شود که ببیند بازی تماشاگران در این نمایش چه‌گونه می‌شود و احیاناً چه تغییرمسیری به نمایش روی صحنه می‌دهد.



بهار